روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی ، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول : مهدی رحمانیان
نشانی : تهران ، خیابان آفریقا ، بلوار گلشهر ، پلاک ۴۶
تحریریه:۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر : ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع : ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها:۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن : ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر : ۶۶۴۰۴۱۶۵ ،امور فنی ، آتلیه و لیتوگرافی : روزنامه شرق
چاپ: ■ افست : کیلومتر ۴ جاده آبعلی ، روبه روی خیابان سازمان آب ، تلفن : ۷۷۳۳۹۰۹۳
■طوطی : خیابان مصطفی خمینی ، بعد از چهارراه سرچشمه ، پلاک ۶۹۰ ، تلفن : ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز : جاده قدیم کرج ، فتح ۱۷ ، پلاک ۲۹ ، تلفن : ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۸۱۷ ■ سه شنبه ۳ مرداد ۱۳۸۵ ■ ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۲۷ ■ ۲۵ جولای ۲۰۰۶

آبادان	+۳۳+۴۹	بیرجند	+۲۲+۳۶	سنندج	+۱۹+۳۸	همدان	+۱۷+۳۹
اراک	+۱۹+۳۸	تهران	+۲۵+۳۹	شهرکرد	+۱۷+۳۶	یاسوج	+۲۱+۳۷
اردبیل	+۱۸+۲۸	تبریز	+۱۵+۳۳	شیراز	+۲۳+۳۹	یزد	+۲۳+۳۸
ارومیه	+۱۸+۳۶	خرم‌آباد	+۲۳+۴۲	قزوین	+۱۷+۲۸	دبی	+۲۹+۴۰
اصفهان	+۱۸+۳۶	رشت	+۲۲+۲۸	کرمان	+۲۱+۳۵	نجف	+۳۳+۴۷
اهواز	+۳۲+۵۰	زاهدان	+۲۳+۳۸	کرمانشاه	+۱۹+۳۹	مکه	+۳۰+۳۹
ایلام	+۲۶+۴۰	زنجان	+۱۴+۳۵	کاشان	+۲۲+۴۱	مدینه	+۲۸+۴۴
بجنورد	+۲۰+۳۶	زابل	+۲۹+۴۳	کیش	+۳۱+۳۷	لندن	+۱۷+۲۹
بندرعباس	+۲۹+۴۳	ساری	+۲۲+۳۳	گرگان	+۲۲+۴۲	پاریس	+۲۲+۳۶
بوشهر	+۳۳+۳۵	سمنان	+۲۲+۳۸	مشهد	+۲۱+۳۴	استانبول	+۱۸+۲۸

تهران : اذان ظهر ۱۱ : ۱۲ اذان مغرب ۳۵ : ۱۹ اذان صبح فردا ۲۷ : ۳

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سینمای دیگر (تکرار)	دو	۹/۱۵
سریال کلانتر (تکرار)	یک	۱۵/۱۵
سریال کاپیتان (تکرار)	سه	۱۴/۱۰
سریال نرگس (تکرار)	سه	۱۸/۰۰
سریال هشدار برای کبری۱۱	پنج	۱۹/۰۰
مجله اجتماعی	چهار	۱۹/۱۵
سریال عامل ناشناخته	سه	۲۰/۱۰
مجله تئاتر	چهار	۲۱/۴۵
مستند۴	چهار	۲۲/۱۵
سریال پرستاران	یک	۲۲/۰۰
سریال نرگس	سه	۲۲/۴۵
سریال راز ققنوس	پنج	۲۳/۰۰

تجسمی امروز

- نمایشگاه نقاشی محمد مهدی حسینی
- نگارخانه شیث - ۶۶۷۰۷۶۸۱
- نمایشگاه گروهی خوشنویسی
- فرهنگسرای دختران ۴۴۰۸۱۰۳۸
- نمایشگاه خط گرافیک قرآن
- فرهنگسرای تفکر - ۴۴۳۰۴۸۵۸
- نمایشگاه طراحی
- فرهنگسرای خانواده ۷۷۸۱۹۴۶۸
- نمایشگاه کاریکاتور ، هادی زائری مقدم
- خانه کاریکاتور ۲۲۸۶۸۶۰۰
- نمایشگاه مجسمه فلزات
- نگارخانه خاوران - ۳۳۷۰۸۴۹۶
- نمایشگاه نقاشی
- نگارخانه شفق ۸۸۵۵۴۰۱۶
- نمایشگاه پوسترهای خوشنویسی
- نگارخانه شیخ هادی - ۶۶۴۹۸۵۸۷
- نمایشگاه تصویرسازی
- نگارخانه لاله ۸۸۹۶۰۴۹۲

سینمای امروز

آتش بس

آفریقا، ایران۱، عصرجدید۲، پارس۱، آسیا پیروزی، المپیا، سپیده۱، شاهد، ناهید آستارا و گلریز۲

چند می گیری گریه کنی

استقلال، بهمن۱، جی۲، مرکزی۲ آسمان آبی، فلسطین۳ و ایران۲

سوغات فرنگ

قدس، ایران۳، جی۱، میلاد، حافظ، پارس۲ جوان۱، پیوند، تهران۲، بلوار، شهرقشنگ ماندانا، دهکده، شیدا و پیام انقلاب

شام عروسی

عصرجدید۱، کارون، جی۳، سروش جمهوری، مرکزی۱، پایتخت، فرهنگ۱، شقایق بهمن۲، فردوسی، ملت، تهران۱، گلریز۱ جوان۲، قیام و کانون

دره گرگ ها

فرهنگ، صحرا، سپیده و شهرتماشا

به آهستگی

فرهنگ ۲، عصر جدید ۳

تئاتر روز

موسیو ابراهیم و گل های قرآن

سالن چهارسو تئاترشهر ۱۹/۱۵

همسایه ها

سالن چهارسو تئاترشهر ۱۸

خبر آخر

درباره ائتلاف روزنامه‌نگاران

ویژه

ماشاءالله شمس‌الواعظین: نوبت دوم انتخابات هیات‌مدیره و بازرسان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران دیروز برگزار شد. میزان مشارکت روزنامه‌نگاران در نوبت دوم نیز مانند نوبت اول آن دور از انتظار نبود. در چند دوره از انتخابات انجمن صنفی در سال‌های اخیر شاهد همین روند هستیم. اما به دلایلی که برای همه روزنامه‌نگاران روشن است، انتخابات این دوره نسبت به دوره‌های پیشین از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان گروه‌بندی‌ها و صف‌آرایی‌های آشکارتری در مقایسه با گذشته دیده می‌شود. طی چند روز اخیر گروهی به نام «ائتلاف روزنامه‌نگاران مستقل» اعلام موجودیت کرده و از نامزدهای طیف‌های گوناگون اعلام حمایت کرده است. نام اینجانب نیز در این لیست دیده می‌شود. البته من به چند تن از همکارانم در این جمع از روزنامه‌نگاران اعلام کرده بودم که عنوان «ائتلاف» بار حقوقی دارد و معنای آن این است که چند گروه از روزنامه‌نگاران با دیدگاه‌های گوناگون بر سر اموری مشترک ائتلاف کرده و قصد دارند گرایش ائتلافی را برای پیشبرد اهداف روزنامه‌نگاران در پیش گیرند. اما آنچه که به نام «ائتلاف روزنامه‌نگاران مستقل» اعلام موجودیت کرده با آنچه در عمل اتفاق افتاده تفاوت دارد. در عمل، جمعی از روزنامه‌نگاران تصمیم گرفتند از نامزدهای طیف‌های گوناگون برای انتخابات هیات‌مدیره حمایت کنند. من به این تصمیم جمع احترام می‌گذارم و از دیدگاهشان برای متنوع کردن ساخت موزائیکی نهادهای صنفی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران تشکر می‌کنم. اما از افزودن بار معنایی و حقوقی ائتلاف در یک کار محدود جمعی از روزنامه‌نگاران به شدت نگرانم زیرا تلقی عموم روزنامه‌نگاران این خواهد بود که در عرصه روزنامه‌نگاری ایران ائتلاف‌هایی شکل گرفته است که قصد دارد عملی متناسب با این واژه و بار حقوقی و معنایی آن انجام دهد. اما هم من می‌دانم و هم این جمع از روزنامه‌نگاران بیش از من می‌دانند که چنین امری در عرصه روزنامه‌نگاری ایران و گروه‌بندی‌ها اتفاق نیفتاده است. و هنوز روزنامه‌نگاران کشور به سطحی از گرد آمدن حول منافع صنفی و سندیکایی و تشکیل فراکسیون‌های گوناگون با استفاده از روش لابی‌های گروهی و جمعی نرسیده‌اند. بنابراین برخورد مبالغه‌آمیز در این عرصه از یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای پذیرفتنی نیست. و ماحصل کلام بنده این است که در دنیای ملموس ائتلافی میان هیچ یک از گروه‌های روزنامه‌نگار با دیدگاه‌های گوناگون اتفاق نیفتاده است. بنابراین اعلام موجودیت یک گروه هویت‌دار شکل نگرفته است و صرفاً گروهی از روزنامه‌نگاران قصد داشتند از گروهی دیگر حمایت کنند. ضمناً «ائتلاف روزنامه‌نگاران مستقل» یک ترکیب پارادوکسیکال است زیرا روزنامه‌نگاران مستقل می‌توانند با روزنامه‌نگاران غیرمستقل یا نیمه‌مستقل ائتلاف کنند. اما روزنامه‌نگاران مستقل نمی‌توانند با خود ائتلاف کنند. آنها می‌توانستند تحت عنوان «روزنامه‌نگاران مستقل» لیستی ارائه کنند و دیدگاه‌های خود را در آن لیست بگنجانند. به این دوستان عزیز و همکاران گرامی توصیه می‌کنم برای نوبت سوم انتخابات این روش خود را تصحیح کنند تا روزنامه‌نگاران کشور و افکار عمومی نسبت به شکل‌گیری نهادهای عده‌ای بی‌مسما در مراحل انتخابات دچار توهم یا خوش‌بینی‌های مقطعی و از آن سو بدبینی‌های جدی نشوند.

همسر چهارم، بانوی اول

حاشیه‌سیاست

حسن بنانج: رهبر کره شمالی از جمله شخصیت‌هایی است که در رسانه‌های دنیا علاقه زیادی به دانستن جزئیات جدید از زندگی خصوصی او دارند. شاید یکی از دلایل این علاقه و حساسیت آزمایش‌های موشکی اخیری باشد که اوضاع داخلی کره شمالی را بار دیگر نقل محافل سیاسی و خبری دنیا کرد. اما دلیل دیگر احتمالاً وجود اخبار ضد و نقیضی است که در مورد نحوه تصمیم‌گیری و رهبری «کیم جونگ‌ایل» در کشور فقیر و منزوی کره شمالی وجود دارد. فضای سیاسی و رسانه‌ای این کشور چنان بسته و منقبض است که به ندرت خبری از اوضاع رقت‌بار آن به بیرون نفوذ پیدا می‌کند. اما دیروز از درون این پیله محکم و بدون منفذ خبری به بیرون درز کرد که خیلی سریع در سایت‌های اینترنتی و خبری دنیا انعکاس پیدا کرد. خبر این بود رهبر کره شمالی چهارمین همسرش را اختیار کرد. این زن خوشبخت «کیم اوکی» نام دارد که حالا ۴۲ ساله است. او قبلاً منشی خصوصی کیم جونگ ایل بوده و در رشته پیانو از دانشگاهی در پایتخت کره شمالی مدرک گرفته است. ظاهراً کیم اوکی با چهره نه چندان زیبایش خصوصیات جالبی داشته که رهبر کره شمالی را به شدت مجذوب خود کرده است. گفته می‌شود که این زن بسیار باهوش و زیرک است تا حدی که کیم جونگ ایل ترجیح می‌دهد او را با خود در سفرهایش همراه کند. کیم جونگ‌ایل حتی یک‌بار دستور داد که کیم اوکی به‌عنوان دست راستش در یک هیات از کره شمالی برای دیدار از آمریکا جای بگیرد. او در این سفر که اکتبر سال ۲۰۰۰ انجام گرفت در همه دیدارها حضور داشت و با مقامات آمریکایی ملاقات کرد. اوضاع تا حدی پیش رفت که برخی از منابع رسماً از کیم اوکی به‌عنوان بانوی اول کره شمالی یاد کردند. پیونگ‌یانگ تاکنون اجازه نداده است که هیچ خبر یا گزارشی از پیشینه و زندگی فعلی رهبر کره شمالی منتشر شود، اما شنیده‌ها حاکی است که او پیش از کیم اوکی سه همسر دیگر اختیار کرده بود. اولی دختری بود که در دهه ۷۰ همسر وی شد و اطلاعی از خصوصیات وی در دست نیست. دومی یک هنرپیشه بود که سال ۲۰۰۳ در اثر بیماری قلبی در مسکو درگذشت و سومی هم یک رقاصه بود که دو سال پیش در اثر بیماری سرطان از دنیا رفت. انتشار خبر جدید از همسر چهارم رهبر کره شمالی بار دیگر به بحث و جدل‌های پیشین در مورد جانشین احتمالی وی در آینده دامن زده است. گفته می‌شود که کیم جونگ‌ایل هنوز از همسر چهارمش بچه‌دار نشده است اما یک پسر از همسر دوم و دو پسر از همسر سوم ثمره ازدواج‌های پیشین او هستند. برخی از گمانه‌زنی‌ها حاکی است که او «جونگ چول» پسر دوم خود را برای گرفتن زمام امور آتی کره شمالی برگزیده اما او به مقامات نزدیک به خود دستور داده است که نباید به بحث و جدل‌ها در مورد جانشین‌اش دامن بزنند. این جمله از وی نقل شده است که گفته «اگر زمام حکومت برای سه نسل پی در پی به خاندان ما برسد، جامعه بین‌الملل ما را مضحکه خود خواهد کرد.»

بحث کنکور تمامی ندارد

خیابان

سعید ارکان‌زاده یزدی: این روزها دولت و مجلس بر سر تجمیع یا جدایی کنکور دانشگاه‌های دولتی و آزاد بحث می‌کنند. مجلس موافق جدایی این دو کنکور است و دولت در پی همزمانی و یکسانی آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها. اما در حاشیه این بحث، قضیه دیگری درباره کنکور دارد پیگیری می‌شود و آن برخورد با موسسات آموزشی غیرمجاز است. در حال حاضر اگر کسی بخواهد یک موسسه آموزشی تاسیس کند باید از یکی از سه وزارتخانه علوم، بهداشت یا ارشاد مجوز داشته باشد. اعطای مجوز به برگزاری کلاس‌هایی چون جهانگردی و خبرنگاری برعهده وزارت ارشاد است، حوزه کاری آموزش و پرورش برای موسسات آموزش علمی تا سطح دیپلم است و وزارت علوم هم ناظر موسسات آموزشی دیپلم به بالا است. در سال ۱۳۷۲ هنگامی که علی‌اکبر ناطق‌نوری رئیس مجلس بود ماده واحده‌ای برای انحلال موسسه‌ها و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی‌ای که بدون اخذ مجوز دست به تاسیس آموزشگاه زده‌اند تصویب شد. در این ماده واحده آمده بود که اگر موسسه‌ای بدون مجوز واحد مربوطه را دایر نگه دارد، کارش در حکم کلاهبرداری محسوب می‌شود و وزارتخانه ناظر بر آن باید شکایت کند و تحت تعقیب قانونی قرار گیرد. ختم کلام اینکه اداره اماکن نیروی انتظامی موسسه غیرمجاز را پلمب کند. اما در این سال‌ها به‌نظر می‌رسد دفتر آموزش‌های آزاد وزارت علوم که متولی و ناظر موسسات آموزشی آزاد در سطح بالای دیپلم است از آموزش و پرورش و ارشاد عقب افتاده است. موسسات غیرمجاز آموزش عالی به کار خود ادامه داده‌اند و وزارت علوم تنها هراز چندی به اعلام اسامی موسسات غیرمجاز بسنده کرده است. بعضی اوقات هم اتفاق افتاده است که وزارت علوم طرح شکایت کرده اما این شکایت در مناسبات اداره اماکن به فراموشی سپرده شده است. جالب اینجا است که طبق آیین‌نامه دولت که در سال ۱۳۷۹ توسط هیات وزیران تصویب شده آمده است: «صدا و سیما، مطبوعات و جراید کثیرالانتشار کشور فقط در صورت تائید رسمی و معرفی هر یک از وزارتخانه‌های ذیربط برابر فرم‌های ویژه مجاز به تبلیغ و انتشار آگهی تبلیغات موسسات آموزشی هستند.» اما هر روز شاهدیم که متناوباً تبلیغات موسسات غیرمجاز در تلویزیون پخش می‌شود و کسی هم اعتراض نمی‌کند. جالب است که گاهی این رسانه در بخش اخبار خود موسسات را غیرمجاز می‌داند و چند دقیقه بعد میان یک سریال آن را تبلیغ می‌کند. گاهی رسانه‌ها هم مقصر نیستند، موسسات آموزشی مجوزی را برای آموزش یا چاپ کتاب به رسانه‌ها نشان می‌دهند اما در آگهی خود عمل غیرمجازی را تبلیغ می‌کنند. حقیقت این است که گرفتن مجوز برای موسسات آموزشی عمل پیچیده‌ای است. ابتدا موافقت اصولی لازم است بعد باید وزارت علوم نام مدرسان و جای تدریس و فهرست دروس را بداند. آنگاه موافقت اجرایی‌تری را صادر می‌کند و در نهایت مثلاً با تدریس تنها یک درس خاص در یک مقطع خاص موافقت می‌کند. اما موسسات با مجوز همان یک درس، ده‌ها درس را در چند مقطع مختلف تدریس می‌کنند. گاهی موسسات مجاز مشتری‌های خود را برای تدریس به موسسات غیرمجاز می‌فرستند و گاهی حتی زیر آگهی‌های موسسات مجاز شماره تلفن‌هایی نوشته شده که عیناً در آگهی موسسات غیرمجاز هم دیده می‌شود. تمام اینها اگر نگوییم نشانی از یک مافیا دست‌کم نشانی از یک شبکه پیچیده زیرزمینی را در خود دارد. چند روز پیش معاون حقوقی وزیر علوم در گفت‌وگو با فارس سخنانی را عنوان کرده بود که نشان می‌داد وزارت علوم هم عزم جزم کرده تا با موسسات غیرمجاز آموزشی وارد جنگ شود. سیدمحمد حسینی گفته بود: «پیش‌نویس لایحه برخورد با آموزشگاه‌های آزاد غیرمجاز تهیه شده و به مجلس ارائه می‌شود. تا پیش از این فقط غیرقانونی بودن فعالیت آموزشگاه‌های آزاد فاقد مجوز اعلام می‌شد، از این پس وزارت علوم علاوه بر اعلام غیرقانونی بودن، وکیل گرفته و از موسسه شکایت می‌کند.»

ریزش پس از یک هفته

نگاه طراح

کیوان وارثی

معلمان بزرگ

بزرگداشت دکتر علی شریعتمداری

یاد

سهیل محمودی: نسل انبوه دانایان معرفت‌پیشه دانشگاهی که امروزه هم از نعمت حضور برخی‌شان برخورداریم، همان نسل متولد سال‌های مابین ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ و ۱۳۱۵ و تا ۱۳۲۰ بوده است. نسلی که امروزه به عنوان استادان بزرگ علم و فرهنگ در جامعه دانشگاهی ما شناخته می‌شوند. نسل دانش، تعهد، مهرورزی به تعلیم و تعلم، پایبند به اخلاق و در یک کلام نسلی که جامع الاطراف بوده است. و شگفتا بسیاری از این نسل یا در مغرب زمین تحصیل کرده‌اند، یا به زبان‌های اروپایی آشنایند و ترجمه‌هایی از این زبان‌ها انجام داده‌اند و یا علوم رایج در اروپا و آمریکای آن روزگار را فراگرفته‌اند. این نسل یا بهتر بگوییم تعداد شاخصی از این نسل توانسته بودند پلی آگاهانه میان دین و دانش، آگاهی و اخلاق و اندیشه و عمل بزنند. اینان تاثیرگذارترین معلمان نسل ما بوده‌اند که در کمی بیش و یا پس از سال ۱۳۵۷ سربرکردیم.

■ چهارشنبه گذشته به همت فرهنگسرای ابن‌سینا و با تلاش و علاقه کیهان محمدخانی مدیر این فرهنگسرا، مجلس بزرگداشتی برای دکتر علی شریعتمداری برگزار شد. دکتر علی شریعتمداری یکی از شخصیت‌های فرهیخته همان نسلی است که پیشتر از آنها یاد کردم. او متولد ۱۳۰۳ خورشیدی است. دکتر علی شریعتمداری از پیشکسوتان عرصه تعلیم و تربیت در روزگار ما است. از جدی‌ترین شخصیت‌های دانشگاهی که سعی داشته بین مکتب‌های روانشناسی و تربیتی مغرب‌زمین و آرا و نظریه‌های آکادمیک سرزمین‌های آن‌سوتر، با فرهنگ ایرانی و معارف اسلامی، ارتباطی معتدل و معقول و کارآمد در جامعه ما ایجاد کند. دیدار مغرب‌زمین و آگاهی از تجربه‌های علمی آن سمت و آگاهی از معارف و اعتقادات ایمانی خودی این آموزگار و شخصیت و همیشه دانشگاهی را به اتخاذ شیوه‌هایی معتدل، راهگشا و توامان با عقلانیت واداشت. در تعلیم و تربیت و همینطور در اجتماعیات، تعصب ورزیدن و نفی تجربه‌های دیگران و طرح روش‌های علمی یکی از معضلات چنددهه اخیر جامعه ما بوده است. از سوی دیگر فقط بسنده کردن به یافته‌های علمی بیرون از مرزها در اینجا یا ناکارآمد است و یا ویرانگر خواهد بود. دانایانی چون دکتر علی شریعتمداری سعی کردند در روانشناسی و تربیت، متدها و روش‌ها و دانش‌های ارزشمند آکادمی‌های اروپایی- آمریکایی را با فکر و اندیشه و زندگی ما و فرهنگ تربیتی‌مان تلفیق کنند.

■ دین و اخلاق و آموزه‌های دینی، برای نسل دکتر علی شریعتمداری نه لقلقه زبان و نه وسیله‌ای برای تثبیت موقعیت و نه بهانه امرار معاش و نه ظاهرسازی برای همراهی با شرایط این روزگار بوده است بلکه ایمان باوری عمیق به تاثیر گذاری جوهر دین و ذات ایمان در ایجاد تربیت صحیح فردی و اجتماعی در جغرافیای فرهنگی ما داشته‌اند. دکتر علی شریعتمداری با آنکه در دهه‌های گذشته اهل مبارزه و سیاست هم بوده و اولین وزیر علوم در کابینه مهندس بازرگان است، هیچ‌گاه شأن معلمی و منزلت دانشگاهی و جایگاه تالیف و تحقیق و برنامه‌ریزی را با هیجان‌های سیاسی و موضع‌گیری‌های مقطعی زودگذر نیالود. در مراسم بزرگداشت استاد دکتر علی شریعتمداری، جناب حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی در پاسخ دعوت برگزارکنندگان این مجلس در پیام مکتوب کوتاهی از شأن علمی و فرهنگی استاد یاد کرده بود و به افتخار شاگردی و تلمذ خود در محضر ایشان بالیده بود.

■ اعتدال در رفتار و آرا، صراحت و صداقت در زندگی، انضباط و ذهنیت توامان با برنامه‌ریزی، اشتیاق به دانایی و آگاهی، برخورداری از اخلاق دینی در گفتار و کردار، وارستگی و پایبندی به منش معلمی، ویژگی بارز دکتر علی شریعتمداری و بسیاری از هم‌نسلان دانشگاهی او است... همان چیزی که جامعه علمی و دانشگاهی، مسئولان و مدیران سیاسی جامعه، نویسندگان و محققان و اصحاب رسانه‌ها و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت، امروز به شدت به آن نیازمندند.... و توفیق از او است

ادامه استیلای دزدهای دریایی بر صنعت سینما

سینما

قسمت دوم فیلم پرطرفدار «دزدهای دریایی کارائیب» برای سومین هفته متوالی در صدر جدول پرفروش‌ترین فیلم‌های آمریکا و کانادا قرار گرفت و در این راه در سه روز پایانی هفته ۳۵ میلیون دلار فروخت. با احتساب رقم فوق «دزدهای دریایی کارائیب۲» که «سینه مرد مرده» نیز نامگذاری شده، ۱۸ روز پس از اکران ۳۳۰ میلیون دلار فروخته است تا همچنان با اختلافی قابل توجه نسبت به رقبایش پرفروش‌ترین فیلم امسال باشد. این در حالی است که فیلم نخست «دزدهای دریایی کارائیب» در سال ۲۰۰۳ و در کل اکران شش ماهه‌اش در دو کشور فوق از رقم ۳۰۶ میلیون دلار فروش فراتر نرفته بود. هر دو فیلم از بازی جانی‌دپ، اورلاندو بلوم و کایرا نایت‌لی در نقش‌های اصلی بهره گرفته‌اند و داستان زندگی و رقابت مشتی ماجراجو و دزد دریایی هستند. این هفته کلاً هفته خوبی برای هالیوود بود زیرا ۱۲ فیلم صدر جدول مجموعاً ۱۴۳/۲ میلیون دلار فروش در روزهای پایانی هفته داشتند که ۱۱ درصد افزایش را در فروش فیلم‌های مطرح نسبت به زمانی مشابه در سال گذشته نشان می‌دهد. رده دوم جدول در این هفته به فیلم خانوادگی جدید کمپانی سونی به نام «خانه هیولا» رسید که در واقع یک کار کارتونی است و ۲۳ میلیون دلار فروش داشت.

ماهی نگون‌بختی که دو بار صید شد

چه خبر

وصال روحانی: یک ماهیگیر انگلیسی، یک ماهی واحد را در عرض سه روز دو بار صید کرده است. ماهیگیر مورد بحث به نوشته روزنامه سان انگلیس باب واتون نام دارد و ۳۶ساله است. او اول بار ماهی مورد نظرش را به هنگام ماهیگیری از روی قایقش از دل آب صید کرد، اما ماهی از قلاب در رفت و به درون آب پناه برد. سه روز بعد از آن واتون دوباره در همان نقطه (در دریای بورن ماوس انگلیس) ظاهر شد و این بار ماهی نگون‌بخت را به دام انداخت و برخلاف دفعه قبل اجازه نداد که فرار کند. واتون که دو فرزند دارد، مدعی است با همان نگاه اول تشخیص داده که ماهی به دام افتاده همانی بوده که سه روز پیش از چنگ وی گریخته بود. او می‌گوید: «عجیب است. در میان هزاران ماهی موجود در این منطقه، یکی از آنها دو بار به دام من می‌افتد. شیرینی آن فراوان است، زیرا وقتی در مرتبه اول گریخت، مطمئن بودم که دیگر آن را به چنگ نخواهم آورد.»

رقابت بر سر دمپایی مک‌کارتنی

دمپایی پل مک‌کارتنی عضو مشهور پیشین گروه موسیقی بیتلز انگلیس که ۳۶ سال از انحلال گروه ۴نفره‌اش می‌گذرد و دو تن از آنان نیز دیگر در قید حیات نیستند، روی خطوط اینترنت به معرض فروش گذاشته شده و تا به‌حال بیش از هزار درخواست برای خریداری آن رسیده است. این دمپایی که قسمت رویی آن سرخ‌رنگ است توسط مک‌کارتنی به بنیاد خیریه MAG هدیه داده شد تا پول فروش آن صرف کمک‌رسانی به مستمندان شود. با این حال هنوز اعلام نشده است که این دمپایی (که «جفت» هم نیست و فقط متعلق به پای چپ مک‌کارتنی است!) دقیقاً به چه قیمتی به فروش خواهد رسید. مک‌کارتنی از زمان انحلال بیتلز به کارهای انفرادی و سرودن و ساخت ترانه‌های مختلف مشغول بوده و در این زمینه هم موفقیت‌های زیادی کسب کرده است.

پراید مشکی

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

میرفتاح: خب، موضوع چه داریم؟ درباره چی حرف بزنیم؟

آقای کپورچالی: درباره تونل رسالت. آقا عجب تونلی ساخته‌اند. کاش یک خورده طولانی‌تر بود...

آقای مویدی: تونل ندیده شدی این قدر تونل تونل می‌کنی. تو که بارها از زیر تونل مانش عبور کردی، این تونل‌ها که نباید به چشمت بیاید.

آقای کپورچالی: بنده از حیث ساخت و ساز که نمی‌گویم. مگر من ناظر فنی پروژه هستم؟ من از شما چه پنهان دوباره دستم خط خورد و چشمم افتاد به چیزی که نباید می‌افتاد.

آقای امیرشاهی: بیا و درستش کن. رفیقمان دوباره هوایی شده، حالا این چه دخلی به تونل دارد؟

آقای کپورچالی: شب اولی که رفتیم توی تونل یک پراید مشکی هم آمد کنار ما.

آقای روشن ضمیر: هر چند تا - مجموعاً- دل شما را بردند؟

آقای کپورچالی: نه. سرجمع سه نفر. یک نفر کنار راننده نشسته بود که عمه‌ای، خاله‌ای چیزی بود که نخیر بنده با ایشان کاری ندارم. از همه بیشتر راننده و آن دو نفر پشتی. صدای ضبطشان را هم بلند کرده بودند و چنان سیستمی بسته بودند که نزدیک بود سقف تونل بریزد. می‌خواند... کجاکجا... با ما اینجوری نباش...

میرفتاح: خیلی ببخشیدها. شهردار گفته از کسی شکایت نمی‌کند، بقیه که نگفته‌اند. با این حرف‌ها به جرم نشر خلاف عفت عمومی دادگاهی‌مان می‌کنند.

آقای کپورچالی: سوءتفاهم نشود. عشق زمینی که نیست‌ام. عشق آسمانی درست که توی تونل اتفاق افتاد، ولی دل من از همان زیرزمین، پر کشید و به آسمان رفت. هر روز به هوای اینکه دوباره آن پراید مشکی را ببینم راهی تونل می‌شوم، اما فقط سمند نارنجی می‌بینم.

آقای مویدی: راستی این سمندها کولرشان خوب کار می‌کند؟ من شنیده‌ام اولش که روشن می‌کنی یک بوی بدی بیرون می‌زند.

آقای کپورچالی: یکی می‌مرد ز درد بینوایی/ یکی می‌گفت عزیز زردک می‌خواهی. من دارم می‌گویم عشق آسمانی در تونل. تو می‌گویی کولر سمند؟ من به کولر نداشته سمندم می‌خندم...

آقای روشن ضمیر: خب آنها اگر سه نفر بودند، ما یکی کم می‌آوریم...

میرفتاح: من که اهل این حرکات شرم‌آور نیستم، اما ما پنج نفریم و با این حساب دو نفر کم می‌آوریم.

آقای روشن ضمیر: نه دیگر. یک نفر که کنار راننده بود، می‌شوند چهار نفر.

آقای امیرشاهی: حالا به آنها شماره دادی؟

آقای کپورچالی: شماره که را بدهم. شماره منزل را که نمی‌شود داد. موبایل هم که من ندارم.

آقای مویدی: تازه موبایل توی تونل آنتن نمی‌دهد.

آقای روشن ضمیر: خب شماره موبایل مرا می‌دادی؟

میرفتاح: واقعاً که باعث خجالت است. اما چون تاکید می‌کنید عشق آسمانی است می‌توانستید شماره موبایل بنده را هم بدهید.

آقای امیرشاهی: تنها راه پیدا کردن آنها این است که برویم توی تونل منتظر بمانیم. شماره ماشین شهرستان بود یا تهران؟

آقای کپورچالی: من این شماره‌های جدید را سر درنمی‌آورم. تهران و شهرستانش را نمی‌فهمم ولی قیافه‌شان به بچه تهران می‌خورد.

آقای مویدی: خب ممکن است اصلاً تونل مسیر هر روزه‌شان باشد.

آقای روشن ضمیر: فعلاً که در تهران هر کس هر کجا کار داشته باشد، یک بار از تونل عبور می‌کند. مسیرش باشد یا نباشد فرقی نمی‌کند. برویم توی تونل حتماً پیدایشان می‌کنیم.

میرفتاح: من به هیچ وجه حاضر نیستم وارد این جریانات بشوم ولی چون اصرار می‌کنید بیایید با ماشین من برویم. خدا را چه دیدید شاید عشق آسمانی دوباره پیدا شد.

mirfattah@yahoo.com

۲۲۰۱۴۰۱۰
روزنامه شرق
نیازمندیهای
انتخاب اول